

## مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران

محمود ارونتن<sup>۱</sup>

حسن دیناروند<sup>۲</sup>

جهانبخش رحمانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۶

### چکیده

آموزش انسان‌ها، مهم‌ترین مسأله جوامع مختلف می‌باشد. آموزش و پرورش زمانی در رسیدن به اهدافش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق بپرورد و این میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقا فرهنگ شهروندی. هدف این پژوهش بررسی مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران است. پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و از لحاظ جهت‌گیری جزو پژوهش‌های بنیادی طبقه بندی می‌شود. روش پژوهش تحلیلی استنتاجی است. ابزار پژوهش فیش‌برداری است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در تربیت شهروندی اسلامی- ایرانی، ارزش‌های اسلامی به تربیت شهروندی سمت و سوی الهی می‌بخشند. این ارزش‌ها از قبیل ایمان، تقوا، آخرت‌گرایی، احترام به هم‌نوع، عدالت، توکل بر خدا و... در تمام شئون تأثیرگذارند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به مواردی همچون مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه، ضرورت برنامه جامع آموزش شهروندی بین خانه، مدرسه و جامعه اشاره نمود.

**کلید واژه‌ها:** شهروندی، تربیت شهروندی، ارزش‌شناسی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران (نویسنده مسئول) hasandinarvand4520@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

## مقدمه

هر جامعه‌ای برای دستیابی به سطوح بالای توسعه‌یافتگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نیازمند برخورداری از نیروی انسانی سالم، آموزش‌دیده و آگاه به حقوق اجتماعی، سیاسی و شهروندی خود است. آگاهی و دستیابی جامعه به حقوق شهروندی<sup>۱</sup> در یک پروسه کوتاه‌مدت یک ساله و یا حتی یک دهه مقدور نیست بلکه آموزش حقوق شهروندی به عنوان یکی از الزامات و پیش‌فرض‌های توسعه انسانی، اجتماعی و سیاسی می‌باید به شکل مستمر و برنامه‌ریزی شده در نظام اجتماعی خانوادگی، نظام آموزشی (آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، سازمان‌های<sup>۲</sup> مردم‌نهاد و...) نهادینه شود اما آنچه روشن است با توجه به ساختار و محتوای نظام آموزش و پرورش و طولانی مدت بودن برنامه‌های آموزشی برای نسل کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود، به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و به تبع آن تربیت شهروندی از اهمیت اساسی برخوردار است. امروزه به علت مسائلی همچون تمرکززدایی از قدرت، گسترش فوق‌العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مسائل مشترک جهانی همچون آلودگی محیط زیست، صلح و امنیت جهانی باعث شده که تربیت شهروندی نه تنها در سطح ملی و محلی بلکه در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گیرد (هلد<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵: ۳۶).

در تعریف حقوق شهروندی و تربیت شهروندی<sup>۴</sup> می‌توان بیان نمود که حقوق شهروندی در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و نیز حقوق و رابطه او با دیگر شهروندان است و شامل حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. اگرچه شهروندی تنها شامل حقوق نیست و با مجموعه‌ای از تعهدات درقبال آن متوازن می‌شود اما این آگاهی از حقوق شهروندی است که شهروندان را نسبت به وظایف خود آگاه و متعهد می‌کند. بنابراین باید نسبت به آگاهی همه مردم، بویژه نوجوانان و دانش‌آموزان به عنوان قشر وسیعی از جمعیت، از حقوق شهروندی‌شان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. دانش‌آموزان و نوجوانان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه، در معرض ارتباط فراوان با شعور جمعی<sup>۵</sup> و آگاهی عمومی قرار دارند. پس آگاهی آنان از حقوقشان در درجه اول راهی

<sup>۱</sup> Citizenship rights<sup>۲</sup> NGO<sup>۳</sup> Hold<sup>۴</sup> Citizenship education<sup>۵</sup> Collective consciousness

برای عمل به وظایف و تعهدشان است (شیانی، ۱۳۹۴: ۴). آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که ابعاد مختلفی چون مسئولیت‌پذیری، وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون‌گرایی، درک و فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح‌جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می‌شود (اوسلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷).

تأکید اسلام بر تحقق انتظارات خود از شهروندان از طریق تربیت و درآمیختن حقوق با اخلاق و نیز درآمیختن آگاهی و شعور اجتماعی با تقوا، آزادی با عدالت، پرسش‌گری با بی‌غرضی، مدارا با انصاف و نیز پاسخ‌گویی با حسن ظن است. از همین‌جا و در سایه چنین نگاهی است که با قاطعیت می‌توان گفت: مسؤلیت تک تک شهروندان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد همشهریان خود، کانونی‌ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد. شهروندان در درجه اول انسان هستند؛ بنابراین خصلت انسان بودن آنان مقدم بر ویژگی شهروندی آنان است. کرامت ذاتی برای انسان منفعتی ندارد مگر این که انسان در صحنه اجتماع قرار بگیرد و به اصطلاح امروزی عنوان شهروند را پیدا کند. در این موقعیت، صحبت از حفظ کرامت و یا تعدی و تجاوز به کرامت ذاتی انسان به عنوان یک شهروند، معنا پیدا می‌کند. انسان شهروند، واجد یک سری حقوق اساسی و بنیادین است که منبع و مبنای این حقوق کرامت انسان است. پاکیزگی شهر و محیط زندگی، احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حق تقدم در تمامی امور شهروندی، آموزش بهداشت عمومی و دفع صحیح زباله و... از جمله عواملی هستند که باید از همان دوران کودکی با آموزش نهادینه شوند، زیرا پس از رشد و بلوغ افراد عادات در آنها تقویت و تثبیت شده و تغییر آن‌ها به تمایلات طبیعی ناممکن و دیر است. چامبلیس<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) می‌نویسد: در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و طرز تلقی‌ها و بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل می‌شود و فلسفه تأسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی است. نظام تربیتی بیش از هر چیز وظیفه آماده کردن نسل جدید را برای جامعه امروز برعهده دارد و هدف آن نیز این است که افرادی را که می‌خواهند در جامعه زندگی کنند، با اصول، قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع آشنا کند البته نه این که کاملاً خود را با آن منطبق کنند بلکه باید بتواند به شناخت جدیدی در فرهنگ خود برسند. پس انتظار عموم از آموزش و پرورش در مرحله اول، این است که دانش آموزان را به گونه‌ای تربیت نمایند که درست در جامعه زندگی کرده و

<sup>۱</sup> Osler<sup>۲</sup> Chamblis

کار مناسب و ارتباط خوبی با مردم داشته باشند و نیز بتوانند مناسبت‌های اجتماعی را درست سازماندهی کنند، هنجارشکنی نکنند (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۵: ۶۴). گرچه شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاما وابسته به تعلیم و تربیت رسمی نیست لیکن باید گفت که بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در این میان تربیت شهروندان خوب یکی از مهمترین دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های آموزشی جهان است. جامعه ملی و جهانی کنونی نیازمند حضور انسان‌های آگاه، مسئول، مشارکت‌جو، حساس به مسائل جامعه و علاقمند به تعامل و گفتگو است لذا باید تعلیم و تربیت رسمی جامعه نیز مطابق با چنین نیازمندی‌هایی، اهداف، روش‌ها و محتوای خود را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد. شیوه‌ای از تعلیم و تربیت که از آن تحت عنوان تربیت شهروندی یاد می‌شود (توبیاس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از وزیر و جهانی، ۱۳۸۵: ۷۹).

از نگاه قرآنی انسان در میان مخلوقات از جایگاه ممتازی برخوردار است. اوست که خلقتی متفاوت و برتر از دیگران دارد. روح الهی در او دمیده شده است؛ خلیفه خدا و حامل امانت اوست. در خلقت اوست که خداوند خود را احسن الخالقین می‌خواند. از این رو انسان ارزش و کرامت ویژه‌ای دارد. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰). انسان از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند به ملائکه فرمان می‌دهد که بر او سجده کنند. «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/ ۲۸-۲۹). مبنای ارزش انسان در اسلام، در اساس متفاوت با اومانیسیم، لیبرالیسم و دیگر مکتب‌های مادی است. همچنین با توجه به اینکه ارزش انسان ریشه در سرشت و هستی او دارد، ارزش فرد انسانی اصیل است و تابعی از ارزش اجتماع نیست. تربیت در جوامع اسلامی ارائه نوعی زیستن است که بر ارزش‌های معنوی انسان مبتنی است و با ساحت متعالی شخصیت وی مطابقت دارد. این امر با به فعلیت رسانیدن استعداد‌های درونی، در پی پرورش همه جنبه‌های شخصیت فرد، یعنی ابعاد جسمانی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی و معنوی وی تحقق می‌یابد.

اهمیت و ضرورت شهروند خوب از آنجا ناشی می‌شود که انسان‌ها همانند جویبارها و نهرهایی می‌مانند که به تنهایی قادر به ادامه حیات نمی‌باشند و به ناچار باید به دریای جامعه پیوند بخورند و با دیگران بودن را آغاز نمایند، با دیگران بودن چنان اهمیت دارد که برخی با استناد به آن انسان را حیوان اجتماعی می‌نامند. برای اینکه انسان‌ها بتوانند جمع مناسبی را به وجود آورند باید مهارت‌های با هم

<sup>۱</sup> Tobias

زیستن را بیاموزند تا در پرتو آن بقای حیات اجتماعی ضمانت پیدا نماید. از این رو بر تک تک اعضای جامعه واجب است تا بقای حیات اجتماعی به طور مطلوب و توأم با امنیت و آرامش برای یکدیگر مهارت‌های لازم آن را فرا گیرند و با رعایت آن نقش خویش را ایفا نمایند (ملکی به نقل از عباس‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۸). تربیت شهروندان خوب یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا می‌باشد مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروندی را در صدر اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. آموزش شهروندی، بدون برخورداری از یک آموزش همگانی استوار و علمی و نظام یافته که بتواند نقش مؤثر خود را در تربیت شهروندان ایفا کند، معنا و مفهومی نخواهد یافت و دانش‌آموزان، افرادی آگاه و ماهر و مراقبت‌کننده و مسئول و فعال اجتماعی نخواهد شد. برنامه‌های آموزش شهروندی باید فرصت‌های لازم برای عمل را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد و به آنان کمک شود تا بارشده انگیزه‌های خود به عمل پردازند و یک سبک زندگی سالم را در طی سال‌هایی که مدرسه هستند تجربه کنند و درونی سازند (فرمیپنی‌فراهانی، ۱۳۸۹: ۹).

در زمینه تربیت شهروندی تحقیقات زیادی در ایران و دیگر کشورها انجام شده است اما به رغم این تحقیقات در کشورمان هنوز مسئله تربیت شهروندی و جای دادن آن به عنوان یک مقوله ارزشی مهم در نظام آموزشی با کاستی‌ها و ضعف‌هایی روبرو است که می‌تواند هم ناشی از کم‌اهمیت تلقی کردن و هم عدم به کارگیری نتایج و پیشنهادات راهبردی تحقیقات در این زمینه می‌باشد. از جمله تحقیقات انجام شده در ارتباط با تربیت شهروندی می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

نتایج حاصل از پژوهش کاظمی‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان «اصول شهروندی و تربیت شهروند در آیات و روایات اسلامی» حاکی از آن است که آزادی، تکررگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانون‌مداری و مردم‌سالاری از مولفه‌های تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی است. همچنین امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد روحیه برادری و تفاهم، شناخت و رعایت حقوق انسان‌ها، تقویت سعه‌صدر در معاشرت اجتماعی، پرورش حس احترام به هم‌نوعان و ایجاد روحیه تکریم مومنین از اهداف تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی محسوب می‌شود. اصل تعامل و مشارکت اجتماعی، آزادی و مسئولیت، عزت، عدالت‌ورزی، اعتدال، جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، حفظ و ارتقای فردیت، غلبه بر خودمحوری و مدارا نیز از اصول تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی است. در نهایت می‌توان از

ویژگی‌هایی مانند حریت، حکمت، تعاون، پابندی به تعهدات، رحمت، نزاهت، صداقت، عدالت، سماحت و شجاعت به عنوان ویژگی‌های یک شهروند خوب یا ایده آل اجتماعی در آیات و روایات اسلامی نام برد.

چناری و کاظمی زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام و برنارد کریک» نشان دادند که آزادی، تکررگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانونگرایی و قانون مداری و دموکراسی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است. همچنین به نظر برنارد کریک، آزادی، بردباری و مدارا، بیطرفی، پذیرش و احترام به حقیقت و پذیرش و احترام به استدلال و عقلانیت از پایه‌ها و پیشفرضهای تربیت شهروندی هست. نیمانی (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیده است که نمی‌توان تربیت مذهبی و دینی را از تربیت شهروندی متمایز دانست و ترویج آموزه‌های اسلامی بر رعایت ابعاد مختلف مؤلفه‌های تربیت شهروندی موثر خواهد بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عوامل دموگرافیک (جنس، سن، منطقه جغرافیایی محل سکونت و تحصیل، نوع شغل و وضعیت اقتصادی خانواده) تأثیری زیادی بر میزان رعایت مؤلفه‌های تربیت شهروندی ندارد. آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان»، جای دادن ارزش‌های شهروندی در مقوله‌های فردی، ملی - فرهنگی، هنجارها و هویت مذهبی، هویت جهانی و مشارکت در برنامه درسی دبستان با توجه به سن و پایه را لازم و ضروری دانسته‌اند. آلام و مک لافلین (۲۰۱۰) معتقدند هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسؤلیت‌پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت معنادار برای رشد مهارت‌های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسؤلیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان دهنده مسؤلیت جمعی است، باشد.

پژوهش سیرز و وون<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) درباره ابعاد آموزش‌های شهروندی نشان داد ویژگی‌های ذیل برای شهروند مطلوب لازم است: توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها، داشتن دانش درباره باورهای مستقل، مسؤلیت‌پذیری و استقلال، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور و ایدئولوژی و فلسفه سیاسی. چیدو و مارتین<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در پژوهش خود به نوع دوستی و بشردوستی دانش‌آموزان

<sup>۱</sup> Allam & mac laflin

<sup>۲</sup> Sears & Vonne

<sup>۳</sup> Chedo & martin

اشاره کرده و آگاهی شهروندی دانش آموزان را در آگاهی‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی بالا دانستند اما آنها نگرشی صحیح و کافی در مورد آگاهی‌های سیاسی ندارند. احمد (۲۰۰۴) در تحقیقی عنوان «اسلام، دموکراسی و تربیت شهروندی: بررسی برنامه درسی مطالعات اجتماعی در کشور پاکستان» نشان داد که مدل تربیت شهروندی کشور پاکستان به طور عمده بر تربیت مذهب مبتنی است. در این مدل، هدف عمده، پرورش شهروندانی است که از طریق آموزه‌های قرآن به دولت و محل زندگی خود وفادار بمانند.

از دیدگاه هودسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) فلسفه اساسی تربیت شهروندی باید دستیابی به اهدافی چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در برابر قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی باشد. تلیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) در تحقیقی تحت عنوان «توسعه ارزش‌های شهروندی: مطالعه موردی در تایوان» نشان می‌دهد که بدلیل سیاست برنامه درسی ملی، اهداف و رویکردهای مربوط به تربیت شهروندی خیلی خاص و تجویزی هستند. علاوه بر این ارتباط قوی‌ای بین سیاست ملی و قوانین و پیش‌بینی‌های برنامه درسی مدرسه وجود دارد. به نظر می‌رسد که تجارب آموزشی با هدف ارتقاء استقلال اخلاقی و به واسطه فعالیت‌های مدرسه پایه‌ریزی شدند. سرانجام اینکه اگرچه مدیران و معلمان، تربیت شهروندی را مهم و ارزشمند در نظر می‌گیرند، اما بدلیل اینکه تربیت شهروندی در امتحان ورودی دبیرستان خیلی کم مورد توجه قرار می‌گیرد، از اولویت پایین برخوردار می‌باشد.

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از این است که بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و نظرات مدیران، معلمان و مربیان مدارس در خصوص میزان استفاده از مؤلفه‌های تربیت شهروندی در مدارس است. از آنجا که تربیت شهروندی با ایده‌ال‌ها و جهان‌بینی ملت‌ها آمیخته است، بررسی و تحلیل مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در کشور ما یک ضرورت به نظر می‌رسد. همچنین معضلات و مشکلاتی چون عدم آگاهی افراد از حقوق شهروندی، عدم فراهم‌سازی امکانات توسط دولت‌ها جهت رفاه و بهره‌برداری جامعه از حقوق خاص شهروندی، کم‌توجهی به عدالت

<sup>۱</sup> Hodsen

<sup>۲</sup> Tlyo

اجتماعی و موارد دیگر موجب گردیده تا نگارندگان با بیان این مسائل و مشکلات در شفاف‌سازی موضوع این پژوهش، بپردازند.

در ادامه به تعاریف مفاهیم پرداخته می‌شود و سپس به بررسی مبانی مرتبط با پژوهش پرداخته می‌شود. حق: امتیازی است که قانون به کسی می‌دهد و از آن پشتیبانی می‌کند (ساکت: ۱۳۸۶، ۴۵ و ۴۷). حق یعنی قدرت، امتیاز، سلطه یا خواسته‌ای که قانون برای افراد می‌شناسد (پیرهادی ۱۳۷۵: ۱۴).

شهروند: کسی است که دارای موقعیت انسانی و اجتماعی ویژه‌ای باشد و مناسبات میان حکومت-کنندگان و حکومت‌شوندگان را به خوبی درک کند "پدیده شهروندی در تقابل با پدیده دولت معنا پیدا می‌کند". به عنوان اینکه شهر یک پدیده جامعه‌شناختی است. جامعه شناس با پدیده‌های بسیار گوناگونی سر و کار دارد. که عبارتند از: شبکه ارتباطی خانه‌های شخصی، مجتمع‌های مسکونی، انجمن‌های محلی، شوراهای شهری و محلی، شهرداری، اماکن عمومی و معظلات همچون بی‌نظمی‌ها، تکدی‌گری، آلودگی صوتی، حمل و نقل شهری و ترافیک و معظلات آن (پیرهادی، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۶).

تربیت شهروندی: تربیت شهروندی عبارت است از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت، تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه در زندگی؛ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. این نوع تربیت شامل؛ حقوقی انسانی، رشد مستمر و همه جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌ها می‌باشد (آشتیانی، ۱۳۹۳). تربیت شهروندی، فرآیند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از نسلی به نسل دیگر است. این انتقال شامل مواردی چون؛ آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند؛ حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آنها می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۶: ۳۱۷).

آموزش شهروندی: آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که مفاهیم اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مباحثی مثل مردم‌سالاری حقوق، احترام، برابری، آموزش اخلاق و مهارت زندگی را شامل می‌شود. آموزش شهروندی به میزان وسیعی شامل آماده‌سازی جوانان برای انجام نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان به عنوان شهروند است (افروغ، ۱۳۸۷: ۹۵).



## روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که تحقیق حاضر با مبانی ارزش‌شناسی تعلیم و تربیت سر و کار دارد و در حوزه مطالعات نظری و فلسفی است، در ردیف تحقیقات کیفی قرار دارد. بنابراین در این پژوهش روش تحقیق کیفی و از دیدگاه شیوه انجام تحلیلی استنتاجی می‌باشد. در این نوع تحقیق محقق می‌تواند با مطالعه اسناد و مدارک مکتوب موجود به تحلیل و تفسیر مسئله مورد تحقیق از ابعاد گوناگون بپردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

پژوهشگر برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، اسنادی و از فرایند فیش‌برداری جهت ضبط و ثبت مطالب استفاده می‌کند. در این فرایند ممکن است عین مطلب به صورت نقل قول مستقیم، برداشت پژوهشگر از مطلب و یا به صورت نقل قول غیر مستقیم و ترجمه از زبانی به زبان دیگر باشد.

هرچند جامعه و نمونه آماری در تحقیقات کیفی مطرح نیست اما می‌توان گفت که حوزه این پژوهش شامل آیات مرتبط قرآن کریم، نهج البلاغه، متن قانون اساسی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی و کلیه مقالات، کتاب‌ها و رساله‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد و نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری هدفمند است زیرا محقق اقدام به انتخاب مواردی که از لحاظ اهداف تحقیق اطلاعات غنی دارند (همانند آثار و تالیفاتی که محقق به آنها دسترسی پیدا کرده است) می‌نماید.

## تاریخچه شهروندی و آموزش شهروندی

برای ریشه‌یابی مفهوم شهروندی، حقوق شهروندی و دولت به لحاظ تاریخی می‌بایست به قرن‌ها پیش بازگشت. خاستگاه اصطلاحات شهروندی در یونان باستان بوده و سپس در بستر اجتماعات غربی و براساس اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف روال تحول را طی کرده است و متناسب با ارزش‌های حاکم بر آن جوامع و نظام‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است. اولین شهرهای مستقل متکی به شهروندی یا پلیس‌ها در بین‌النهرین و به طور دقیق در تمدن سومر شکل گرفته و پیاپی به عرصه حیات گذارده است (پیرهادی، ۱۳۹۵: ۱۷).

اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروندی در تئوری‌های سیاسی پرداخته است افلاطون بود. وی در کتاب «جمهور» شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می‌دهد. ارسطو نیز شهروندی را کسی می‌داند که در حکمرانی و فرمانبرداری سهیم باشد. نقاط عطف مفهوم شهروندی و شهروندی آتن سده چهارم، دوره رنسانس، استقلال آمریکا و انقلاب فرانسه است.

ارسطو نیز بر این عقیده است که انسان به عنوان شهروند در دولت شهرکسی است که در تصمیم‌گیری در امور عمومی جامعه مشارکت دارد و متناوباً در اعمال قدرت نیز شرکت می‌کند، در غیر اینصورت انسان حیوان زبان بسته‌ای خواهد بود. او درباره آموزش شهروندی درجایی می‌گوید: در این باره همگان متفقند که آموزش و پرورش کودکان از مسائلی است که بیش از هر چیز دیگر باید محل اعتنای قانونگذار باشد. اولاً غفلت از امر تربیت همیشه به حکومت‌ها سخت زیان می‌رساند. آموزش و پرورش شهروندان هر حکومت باید به شیوه‌ای متناسب با مبانی و اصول آن حکومت انجام گیرد (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷: ۲۴ و ۲۵).

در قرون بعد نیز بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان بر نقش تعلیم و تربیت در پرورش شهروندان تأکید کرده‌اند. روسو به عنوان یک فیلسوف انتقادی نظریه جدیدی را در این باب ارائه داد. روسو کار تربیت را بیش از هر چیز دورنگه داشتن طبیعت انسانی از پلیدی‌های جامعه می‌شمرد. در چشم او جامعه در راه خود به سوی تمدن همواره از طبیعت انسانی دور شده است، از این رو هرگونه تأثیر آن بر انسان طبیعی یعنی کودک، اثری تباه کننده بود یعنی به نظر روسو جامعه باید چنان برپا گردد که بنیان آن بر حق و آزادی انسان باشد. هم تربیت باید چنان راهی بپیماید که با راه طبیعت ناسازگار نباشد. روسو در نوشته‌ای برجسته ملی و میهن آموزش و پرورش تأکید کرده می‌گوید: آموزش و پرورش است که باید مردم را به ملت بدل کند و حس میهن پرستی را در آنان بپرورد (فرمیهن فراهانی، ۱۳۸۹: ۵۶).

دیویی نیز معتقد بود که رسیدن به اهداف مردم سالاری یعنی آزادی، برابری و ترقی تنها از طریق آموزش‌های آزادمنشانه امکان پذیر است. وی که از دیدگاه فلسفه سیاسی، دموکراسی را شایسته‌ترین قسم زمامداری می‌شمارد و نام کتاب اصلی او در فلسفه آموزش و پرورش "دموکراسی و آموزش و پرورش" است. کارائی و ناکارائی دموکراسی را وابسته به چگونگی آموزش و پرورش دانسته و دموکراسی را تنها یک روش سیاسی برای اداره جامعه نمی‌داند بلکه بیش از هر چیز، آنرا یک روش زندگی می‌داند و بر این نکته تأکید میکند که اگر دموکراسی به بافت زندگی اجتماعی راه نیابد از نظر سیاسی نیز پایدار نخواهد بود (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷: ۲۶ و ۲۷).

اما رواج ویژه مفهوم شهروندی و جامعه مدنی در زمان معاصر، غالباً به اندیشه‌های سیاسی متفکران اروپایی قرن هفدهم به خصوص تامس هابز و جان لاک برمی‌گردد که در نزد آنان، جامعه مدنی ناظر به جامعه‌ای است که در آن علاوه بر حاکمیت قانونی در حوزه‌های عمومی، در حوزه حقوق اختصاصی افراد نیز برقرار است. هابز بر آن بود که افراد، بخشی از حقوقی را که در وضع طبیعی

از آن برخوردارند به حاکم واگذاری کنند و به این ترتیب، حکومت به ظهور می‌رسد. اما مواردی از حقوق آنان همچون آزادی خریدوفروش ومعاملات بایکدیگر، آزادی گزیدن خوراک، مسکن و شغل و آزادی آموختن فرزندان به شیوه‌ای که صلاح می‌دانند به عنوان حقوق خصوصی برقرار می‌ماند (فرمینی، ۱۳۸۹: ۲۵).

در طول قرن نوزده و بیست، سه پیشرفت قوی سیاسی، آموزش شهروندی را تبدیل به مهم‌ترین موضوع برای دولت کرد و تدریس سیاست‌گذاری را در تعداد بی‌شماری از کشورها پایه‌ریزی کرد. این پیشرفت‌ها شامل تغییر و تحول در اشکال پارلمانی قانونی با حدود ثابت شهروندی می‌شد. حس روبه‌افزایش ملی‌گرایی و اخلاق‌گرایی و فرآیند استعمارزدایی هم در این زمره بود. در قرون اخیر با پایداری مفاهیم جدید "ملت و ملیت‌گرایی" و تحولاتی که در عرصه سیاسی و اجتماعی رخ داد، شهروندی به کسی اطلاق می‌شود که عضو یک کشور باشد. کشوری که با فرهنگی مشترک و غالباً زبان رسمی واحد مشخص می‌شود. اما شکست این ایده از آموزش شهروندی در آلمان و با جنگ جهانی دوم تجسمی تام‌یافت به عبارت دیگر این نکته آشکار شد که آموزش شهروندی به عنوان فردی متعلق به فرهنگی مشترک و مستحیل در آن ممکن است منجر به ظهور اقتدارگرایی شود.

مشکلات آموزش شهروندی در مفهوم ملیت‌گرایانه آن باعث شد که تحول مفهومی در باب آموزش شهروندی در دهه اخیر صورت گیرد. اولین دگرگونی توسط مکتب فرانکفورت مطرح شد و دومین تحول نیز با ظهور گرایش‌های پست‌مدرنیسم مورد توجه قرار گرفت. در این دیدگاه آموزش شهروندی مطلوب تنها در اعراض از فرهنگ پذیرکردن دانش‌آموزان و روی آوردن به تعلیم و تربیت‌های بخش صورت خواهد پذیرفت. مهم‌ترین مشخصه این نوع نگاه به شهروندی، آزادانه سخن گفتن در باب بن‌بست‌های فرهنگی و اجتماعی و نقادی درباره آن و به تعبیر هابرماس، فراهم کردن موقعیت‌های آرمانی گفتگو است. در گرایش پست‌مدرنیته، آموزش شهروندی در بستر دموکراسی کثرت‌گرا مطرح شده است. در این نوع دموکراسی که در برابر دموکراسی اجتماعی قرار می‌گیرد، آموزش شهروندی مستلزم به رسمیت شناختن اقلیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست. به عبارت دیگر، در این دیدگاه شهروندی لزوماً کسی نیست که به فرهنگ مشترک و لوازم آن معتقد باشد، بلکه کسی است که در حیطه قانون از آزادی فکر و اعتقاد، آزادی بیان، آزادی انتخاب شغل، مسکن و آزادی‌هایی از این دست برخوردار است. از این تمایل کثرت‌گرایانه گاه با عناوینی چون "شهروندی جهانی" و "شهروندی بین‌المللی" یاد می‌شود.

با مرور مطالب گفته شده می‌توان تحولات مفهوم شهروندی را در دو قطب اقتدار و مسئولیت دولت جستجو کرد. به عنوان نمونه مفهوم ملیت‌گرایی از نوع تأکید بر اقتدار دولت است. در این نوع تصور همت اساس نظام تربیتی بر آن است که نسل نو را با معیارها و ضوابط فرهنگ مشترک جامعه همراه سازد. در این مفهوم هرگونه انتقاد نسبت به وضع موجود به منزله تضعیف اقتدار دولت است. از سوی دیگر، قطب دیگر یعنی عنصر مسئولیت دولت در قبال خواست‌ها و حقوق شهروندان در قانون تأکید قرار می‌گیرد چندان که نقادی نسبت به فرهنگ مشترک اساس تربیت شهروندی قرار می‌گیرد. این جهت‌گیری در دیدگاه حامیان مکتب فرانکفورت ملاحظه می‌شود. در خصوص تربیت شهروندی به نظر می‌رسد که باید بین این دو مفهوم توازن برقرار کرد (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۸ و ۲۹).

بی‌تردید دانش مدنی و آگاهی‌های اجتماعی از منابع متعددی بدست می‌آید. خانواده، رسانه‌های جمعی، گروه‌های سیاسی و غیره در شکل‌گیری دانش، ارزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز شهروندی نقش بسزایی دارند. با این حال نظام آموزشی به عنوان نهادی اجتماعی مناسب‌ترین ابزار برای آگاهی‌های مدنی و تربیت شهروندی به حساب می‌آید. مدرسه کانال و مجرای مؤثر برای انتقال مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی ملی است. نظام آموزشی فرصت‌هایی را برای فراگیران تدارک می‌بیند تا بتوانند ارزش‌ها و باورهای مختلف را از دیدگاه‌های متفاوت مورد آزمون قرار دهند. این که شهروندان بتوانند از نقش خود آگاهی یافته و به آن ارج نهند و نیز مشارکتی فعال در مصالح ملی داشته باشند دلیل محکمی برای این موضوع است که نظام آموزشی باید در زمینه شهروندی به آموزش افراد مبادرت بورزد (جمالی تازه کند و همکاران، ۱۳۹۲: ۳).

اهمیت تربیت شهروندی تا بدانجا است که هاپر می‌گوید هدف اصلی نظام آموزشی، تعلیم و تربیت نقش شهروندی (مهرداد، ۱۳۷۶: ۴۲)، و دغدغه اساسی در تربیت شهروندی باید تعالی بخشی باشد تا بواسطه چنین تعلیم و تربیتی شهروندان آگاهانه، فعال و پرسشگر بتوانند در مسائل اجتماعی مشارکت نمایند (شاگرانسکی و پیمیرز، ۲۰۰۳: ۵). اهداف تربیت شهروندی در بیانات و اعلامیه‌هایی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش آنها منتشر می‌شود، به طور صریح اعلام می‌شود (نظیر کشور سوئد و نیجریه) اما در کشورهایی که به صورت متمرکز اداره می‌شوند، معمولاً یک برنامه یا کتاب درسی ویژه تجویز می‌شود و در کل کشور تدریس می‌گردد. در پاره‌ای از موارد نیز

در اینگونه کشورها فهرستی از کتب و برنامه‌های تأیید شده به مدارس ابلاغ می‌شود و مدارس از بین آنها دست به انتخاب می‌زنند (تورنی، ۱۹۹۱: ۷۵۳).

آموزش‌های شهروندی که بر پایه اهداف و مقاصد خاص در نظر گرفته می‌شود، در هر جامعه شامل اهداف کلی آموزش درباره شهروندی، آموزش از طریق شهروندی و آموزش به منظور شهروندی می‌باشد. آموزش درباره شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی بر پایه آماده کردن دانش‌آموزان و افراد از نظر داشتن دانش کافی، درک تاریخ ملی و فهم ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی متمرکز است. آموزش از طریق شهروندی در حوزه فرآیند تربیتی مستلزم یادگیری دانش‌آموزان و افراد، از طریق انجام فعالیت‌های کاملاً فعال تجربه‌های مشارکتی در مدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن است، این یادگیری عنصر دانش را تقویت می‌کند (آقازاده، ۱۳۸۵: ۵۰). «لی» (۱۹۹۹) در مطالعه خود اهداف تربیت شهروند مطلوب را در دوازده کشور آسیایی بررسی نموده است. وی مهم‌ترین اهداف مذکور را شامل فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی افراد، افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و کمک به افراد در جهت دست‌یابی به شخصیت مستقل، دانسته است (لی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۲۱۴).

اهداف تربیت شهروند مطلوب در ممالک توسعه‌یافته نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. «بوتس»<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) مجموعه اهداف تربیت شهروندی را به دو دسته اساسی؛ هدف‌های مرتبط به وحدت و اتحاد در جامعه و هدف‌های مرتبط با تکثرگرایی تقسیم نموده و زیر مجموعه هر یک از آنها را به شرح زیر برشمرده است:

- ۱) وحدت و اتحاد در جامعه شامل؛ عدالت، تساوی و برابری، قدرت و اقتدار، مشارکت، الزام شخصی برای خیرخواهی عمومی و مانند آن است.
  - ۲) تکثرگرایی شامل؛ آزادی، تنوع، حریم و حرمت شخصی، حقوق شخصی، حقوق بشر بین‌الملل و مانند آن است.
- در انگلستان فهرست مشابهی پیشنهاد شده که مهم‌ترین موارد آن شامل؛ آزادی، بردباری و تحمل، جوانمردی، احترام به حقیقت و احترام به استدلال و منطق است (پورتنر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۱).

<sup>۱</sup> Lee, W.O

<sup>۲</sup> Butts

<sup>۳</sup> Portner

### حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام

با توجه به کرامت و ارزش ذاتی انسان در مکتب اسلام می‌توان گفت که در این مکتب تعریفی با معیارهای امروزی برای شهروندی وجود ندارد. اسلام ضمن ارج نهادن به کرامت انسان‌ها چه مسلمان و چه غیرمسلمان، پیروان دین اسلام را امت واحد می‌داند «وَأَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِي» (مؤمنون / ۲۳). لذا در نظام سیاسی اسلام، مسلمانان به مانند پیکر واحدی هستند که در این پیکر تمامی اعضا به یک اندازه مهم هستند. آنچه امروزه از آن به عنوان شهروندان ملی و جغرافیایی یاد می‌شود، در اسلام حجتی برای آن وجود ندارد. در اسلام معیار عقیده است که مرز میان مسلمان و غیر مسلمان را جدا می‌کند. قرآن کریم مؤمنان به اسلام را برادران دینی می‌داند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات / ۱۰)؛ که شعوبیت و قومیت صرفاً جهت تمایز آنان از یکدیگر است و برتری اهل ایمان بر یکدیگر فقط در تقرب به خداوند و پرهیزکاری است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳).

علامه طباطبائی (ره) مرز جامعه اسلامی را این طور ترسیم می‌کند: اسلام جامعه‌ای را بنیان نهاده که مرزهای آن را عقیده تعیین می‌کند، نه وطن و نژاد و امثال آن. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴ «۱۳۳»).

البته اصطلاح امت و دولت اسلامی، به معنای طرد و دفع غیرمسلمانان از جامعه اسلامی نیست چنان که در طول تاریخ اسلام و در حکومت پیامبر اسلام و امام علی (ع) یهودیان و مسیحیان در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند و از احترام و ارزش مساوی به عنوان یک انسان برخوردار بودند؛ هرچند که شهروند دولت اسلامی نبود. امام علی (ع) در نامه تاریخی خود به مالک اشتر جهت زمامداری سرزمین مصر تأکید می‌کنند که تمام مردم باید در نظر تو مساوی و برابر باشد «فإنهم صنفان؛ إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» (نامه ۵۳).

ایدئولوژی اسلام توانسته است ضمن ارج نهادن به هویت فردی انسان، نقش سازنده او را در فعالیت‌های اجتماعی گوشزد کند. در اسلام، انسان موجودی اجتماعی است که البته اجتماعی بودن او را باید با فردیت او به عنوان یک انسان و یک مسلمان در نظر گرفت. بنابراین در اسلام دامنه اصطلاح شهروندی بسیار گسترده تر از مفهوم امروزی است و می‌توان گفت آنچه امروزه قیودات و شرایطی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند، اعتباراتی بیش نیستند که حجت شرعی و اسلامی برای آن وجود ندارد. اسلام تعامل شهروند مسلمان در برابر حکومت اسلامی را تأیید می‌کند و برای آن حقوق و مسئولیت‌هایی را در نظر می‌گیرد. به طور کلی «با وجودی که دین اسلام، عملاً به پیروان خود در

سراسر جهان، ملیت ویژه‌ای بخشیده و همه را در زیر یک شعار و پرچم درآورده است، معذک و وابستگی آنان را به سرزمین، تاریخ و فرهنگ ملی خود انکار نکرده است» (بوازار، ۱۳۵۸: ۱۱۳). در فرهنگ اسلامی با تأکید بر انجام مناسک عبادی به صورت جمعی زمینه هرچه بیشتر ایجاد تعاملات اجتماعی، گسترش روابط عاطفی بین دینداران، احساس مسؤلیت در برابر برادران دینی، مشارکت اجتماعی، هویت‌بخشی، ایجاد وجدان اخلاقی در پی نهادینه شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی فراهم شده است. همچنین به خاطر نوعی مصونیت درونی که ناشی از نهادینه شدن ارزش‌های دینی و احساس حضور در محضر خدا و همچنین شرکت در این مناسک جمعی که منجر به نوعی نظارت بیرونی و اجتماعی است، بسیاری از نابهنجاریها، کجروی‌ها و جامعه‌ستیزی کاهش خواهد یافت. بنابر این مفهوم شهروندی در جهان‌بینی اسلامی تبدیل به امری ارزشی و عبادی و دینی می‌شود که چنین بستری باعث می‌شود افراد نه تنها مشارکتی مسئولانه و آگاهانه در امورات اجتماعی داشته باشند بلکه در موارد حساسی که بنیان جامعه در خطر باشد حاضرند از جان و مال خود بگذرند، که می‌توان به جان‌فشانی شهروندان ایرانی در طول جنگ تحمیلی اشاره کرد (شرفی و طاهر پور، ۱۳۸۷: ۵۲).

در مدینه النبی، معیار عضویت در جامعه اسلامی (شهروندی به زبان امروزی) یکی از دو چیز بوده است: مسلمان بودن یا پیمان پذیر بودن. بدین ترتیب امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ استقلال جامعه دینی خود، جامعه سیاسی واحدی را به وجود می‌آورند و پیامبر(ص) وحدت دینی را جایگزین وحدت قومی می‌نماید و پیروان سایر ادیان الهی را به شرط پیمان به عضویت جامعه سیاسی در می‌آورد. با نزول آیات سوره توبه و تشریح پیمان ذمه، عضویت قراردادی در جامعه، از یهودیان مدینه فراتر رفته و سایر اهل کتاب را نیز در بر می‌گیرد و آنان نیز در پرتو پذیرش پیمان ذمه در جامعه‌ی اسلامی و نه امت مسلمان عضویت می‌یابند (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۲۷).

در بعد رفتارهای فرهنگی - ملی نقش آموزش و پرورش رسمی که به لحاظ پالایش ارزش‌های اجتماعی برای رفع نیازها با شناخت استعداد فراگیران و باروری آن با توجه به فرهنگ جامعه برنامه‌ریزی می‌کند بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که محور یادگیری دانش آموز است، بنابراین توجه به ارزش‌های فرهنگی یادگیرنده از یک سو و هم جهت کردن آن با ارزش‌های فرهنگی - ملی و آماده کردن آن برای سازگاری با جمع یا جامعه‌پذیری از سوی دیگر، اهمیتی خاص دارد. تحقق این مهم از طریق تدوین برنامه‌های درسی است. شناساندن ارزش‌های فرهنگی - ملی و آگاهی از میراث فرهنگی مشترک از طریق برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان زمینه‌شناسایی ارزش‌های برتر را نیز

برای او فراهم می‌آورد. از طریق شناخت فرهنگ‌ها و قرار دادن مفاهیم آموزشی در قالب ارزش‌ها و ایجاد حس قیاس در فراگیرنده و اعتلای جامعه و تقویت شهروندی، یک شهروند که در سازندگی جامعه مؤثر است، پدید می‌آید (عسکریان، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

گرچه در هر جامعه‌ای ارزشهای خاصی از طریق فرهنگ آن جامعه به شهروندان منتقل می‌گردد اما در صورتی که شهروندان مجهز به ابزار استدلال نباشند و نتوانند در پرسش و پاسخ با دیگران برای دفاع از ارزشهای خود مشارکت کنند، در نهایت ممکن است در ارزشهای خود متزلزل شوند. لذا آموزش تفکر نقادانه و مهارت در گفتگوی سقراطی ضرورت خود را به خوبی نشان می‌دهد (چناری، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

واقعیت کنونی جامعه ایران و در نظر گرفتن شرایط و امکانات فعلی در ایران و توجه به استعدادها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و سطوح دانشی موجود در میان کودکان و نوجوانان امروز می‌تواند در هدایت عاقلانه ما به سوی جامعه اسلامی رهگشا باشد. رشد روزافزون توجه به سنت‌ها و ارزش‌های ملی و در کنار آن حرکت جامعه به سوی ارزش‌های اصیل اسلامی که در قرآن و کلام و سیره پیشوایان اسلام نهفته است، به خوبی مشهود است (کیشانی فراهانی، فرمپینی فراهانی و رهنما، ۱۳۹۲: ۵۶).

### مبانی تربیت شهروندی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی

هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای، انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیریهای رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرآیندهای آموزشی تحقق می‌یابد (حاجی پور، ۱۳۸۹: ۴۶). تربیت شهروندان در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از آنها در شکل دادن آموزش‌های شهروندی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. آن چنان که سدلر بیان می‌کند نمی‌توان تربیت شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و آرای تربیتی قالب در آن جامعه را به محک تجربه و آزمایش گذاشت (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۸).

ارزش‌های حاکم بر هر جامعه، اساس و پایه رفتارهای اعضای آن را تشکیل داده و معیار ارزیابی رفتارهای انسانی، از طیف پسندیده تا نکوهیده قرار می‌گیرند. بنابراین شناخت ارزش‌ها و مبانی آنها، به



ترویج، گسترش و استحکام هر چه بیشتر ارزش‌ها و اخلاق فردی و اجتماعی منجر خواهد شد. دین اسلام، آخرین شریعت الهی است که بر انسان‌ها عرضه گشته تا آنان را به سرمنزل سعادت و خوشبختی رهنمون سازد. به دلیل این خاتمیت، اسلام دارای برنامه جامع زندگی برای تمامی انسان‌ها و در همه دوران‌ها است؛ برنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌هایی مطلق، همیشگی و جهان شمول که برای درک بهتر آنها آگاهی از نوع نگاه اسلام به انسان و معرفت ضروری است. یکی از کارهای فلسفه در عصر ما بررسی ارزش‌ها یا آنچه در یک اجتماع یا اجتماعات انسانی با ارزش تلقی می‌شود، است. آنچه در زمینه گسترش میراث فرهنگی، در بهبود روابط انسانی و تحکیم حقوق و آزادیهای فردی و حفظ آرمان‌های بشری با تلاش فیلسوفان و دانشمندان مشخص و روشن گردد، پایه و اساس ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد. تقویت روح هنری و تحکیم شخصیت اخلاقی، هدف و اساس تعلیم و تربیت تلقی می‌شود. ارزش‌شناسی در زمینه اخلاقی مستقیماً با فعالیتهای تربیتی ارتباط دارد. آنچه معلم در زمینه تعلیماتی، در ارتباط شاگردان، درباره اظهارنظرها و قضاوتها، در ارزش‌سنجی کار شاگردان و فعالیت‌های گروهی انجام می‌دهد جنبه اخلاقی دارد. بدون تردید ارزش‌ها، مخصوصاً ارزش‌های اخلاقی رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند. غفلت در پرورش اخلاقی موجب پیدایش افرادی لابلایی، متعصب، خودخواه و بی‌اعتنا به روابط انسانی می‌گردد (شریعتمداری، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۴).

مبانی تربیت شهروندی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی عبارتند از:

➤ **خدامحوری:** خدامحوری به‌عنوان یک مبانی ارزشی در فلسفه تربیت اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است؛ در مکتب اسلامی، همه فعالیت‌های بشری زمانی به نتیجه در خور می‌رسد که در محور توحیدی قرار گیرد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲). خدامحوری، به این معناست که انسان نه تنها در فعل و ترک فعلش باید گوش به فرمان خدا باشد، که در اراده و تصمیمش نیز باید حکم خدا را اطاعت کند. به عبارت دیگر، مراد از خدامحوری، داخل شدن در ولایت الهی و وقوف در موقف عبودیت و سیر در آن مسیر است؛ به گونه‌ای که عبد در مرحله تشریح، مشیت خود را تابع مشیت خدا کند، همان‌گونه که در مرحله تکوین، مشیتش تابع مشیت خداست (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۳۳۳). اولیای الهی آن‌گاه که می‌خواستند به کرامت انسانی خود افتخار کنند، به بندگی خود مفتخر بودند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: خدایا این عزت مرا کفایت می‌کند که بنده تو باشم و این فخر مرا بس است که تو پروردگار من باشی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۹۴، ح ۱۰).

- عدالت محوری: عدالت از مهم‌ترین، برجسته‌ترین و والاترین پایه‌ها و استوانه‌های ارزشی و انسانی اسلام به شمار می‌رود. با سیری کوتاه در آیات و روایات، به وضوح دریافت می‌شود که فضای اسلام است، فضای عدالت است (میرمدرس، ۱۳۸۰: ۱۲).
- تقوا محوری: یکی از مبانی ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، تقواست. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات / ۱۳). امام رضا (ع)، تقوا را بهترین وسیله برای نجات می‌دانست. آن حضرت هم خود اهل تقوا بود و هم تلاش می‌کردند تا دیگران را به تقوا وادار سازد. امام رضا (ع) چنین می‌اندیشید که تقوا سبب شرافت و آبرومندی است. آن کس که در زندگی خود با تقوا باشد می‌تواند صاحب عزت و آبرو شود. از این رو امام (ع) خود نگهداری در برابر گناهان و لغزش‌ها و رفعت‌شان خود را در گرو اطاعت از پروردگار می‌دانست (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۲۶).
- کرامت محوری: از دیرباز درباره انسان و کرامت وی نکته‌ها و سخنان فراوانی بیان شده است. مسئله‌ای که در زمان خلقت حضرت آدم، فرشتگان آن را مطرح کردند و با طرح پرسشی مودبانه، کرامت خود را ابراز کردند و حضرت حق در جواب آنان بر کرامت و ارزش انسان اشاره فرمودند. به این موضوع ادیان و مکتب‌های گوناگون اعم از فلسفی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، حقوقی و سیاسی پرداخته و بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند و امروزه در گفتار و نوشتارهای گوناگون حقوق بشر به جایگاه و ارزش انسان اشاره شده است. اسلام به کرامت انسان به تفصیل پرداخته، به آن ارزش ویژه‌ای داده است. در اسلام کرامت انسانی اصل پذیرفته شده در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی است (سیدی نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۷).
- نقش رفتاری آموزش شهروندی به شهروندان یک جامعه را می‌توان در پنج بعد خلاصه نمود:
۱. نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری‌دهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می‌باشد.
  ۲. جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می‌کنند که خرده جویی‌ها و خرده‌گیری‌ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند.
  ۳. خوش‌خویی نسبت به یکدیگر.
  ۴. ادب و مهربانی. این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط‌های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیار موثر است.

۵. وظیفه‌شناسی: بخش دیگری از رفتارهای شهروندی است که باید در قالب برنامه‌های درسی و غیردرسی به دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر افراد جامعه آموزش داد (هویدا و نادری، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۵).

ابعاد رفتاری آموزش شهروندی، نقش بسیار بارزی در بسط و گسترش سرمایه اجتماعی دارد و منجر به توسعه جوامع بشری گردیده است. در واقع نقش چنین تعلیماتی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی و اخلاق دارند، براین اساس نهادینه کردن آموزش‌های شهروندی منجر به بروز شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی شده است. نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی تربیت کند و تحویل جامعه دهد. در حقیقت وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتوانند برای رشد و شکوفایی جامعه مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند (منافی شرف آباد و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹).

### تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران

ارزش‌ها در تربیت شهروندی در ایران، مشخص کننده نوع جامعه‌ای هستند که در آن پذیرفته شده اند، بنابراین ارزش‌ها متناسب با جوامع نسبی بوده و در جوامع گوناگون متفاوت هستند. پذیرش نظام ارزشی مشترک در جوامع یکی از عوامل مهم همبستگی و تعامل اجتماعی است. با توجه به اینکه هر جامعه‌ای با عنایت به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصیات ویژه پرورش می‌دهد و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هر کشوری می‌باشد؛ باید آموزش‌های شهروندی حساب شده‌ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت که می‌توان آن را از رسمی‌ترین نظام آموزش کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. «آموزش و تربیت شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی شان آشنا کنیم و از شهروندان جامعه این انتظار این را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه‌های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روشهای مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را به شکل ویژه‌ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری می‌باشیم» (شبیانی، ۱۳۹۴: ۱۰). ارزش‌های شهروندی در هر جامعه، مرتبط با

چارچوب نظری شهروندی و هماهنگ با مقولات اصلی و مؤلفه‌های فرعی آن در جامعه است یعنی در کنار حکومت مردمی یا مردم سالاری تمام ارزش‌های مربوط به حقوق، وظایف و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی جای می‌گیرند در کنار هویت فردی ارزش‌های مربوط به شخصیت و رفتار فردی- اجتماعی مطرح می‌شود، در مورد هنجارها، ارزش‌های مربوط به رفتارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه مطرح می‌شود، در بعد مربوط به هویت ملی و انسجام اجتماعی ارزش‌هایی مطرح می‌شود که هویت ملی به صورت عام برای هر ایرانی وجود دارد. براین اساس زیر بنای نظری ارزش‌ها در ایران، دین، اخلاق، قانون و آداب رسوم و سنت‌ها هستند که چارچوب نظری و ابعاد شهروندی را تشکیل می‌دهند. به طور کلی ارزش‌ها قابلیت یک چیز یا فکر مشخص را برای برآورده کردن نیاز یا تمایل و آرزو بیان می‌کنند. ریشه معنای ارزش در تفکر، شناخت و نگرش انسان است که شایستگی چیزهایی را قدر می‌نهد. ارزش‌های اجتماعی تمام ارزش‌هایی هستند که در زندگی اجتماعی نقش داشته و افراد یک جامعه آن را پذیرفته و قبول دارند. با این معنی ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی و کلیه ارزش‌هایی که انسجام و رشته‌های همبستگی را آسان می‌سازند به عنوان ارزش‌های، اجتماعی شناخته می‌شوند (آشتیانی، ۱۳۹۵: ۷۵).

در نظام آموزشی ایران محتوای متداول در دوره پیش دبستانی مشتمل بر عناوین انس با قرآن، قصه، شعر و سرود، بازی، نقاشی، کاردستی، نمایش خلاق، بحث و گفت و گو، مشاهده، آزمایش، گردش علمی و تماشای فیلم و آشنایی با نحوه استفاده از فناوری‌های جدید است. این فعالیت‌ها در فرآیند تولید محتوای آموزشی، با نگاهی تلفیقی به حوزه‌های یادگیری دینی، اجتماعی، هنری، ریاضی، تربیت بدنی و علوم، طراحی و با هدایت مربی به روش فعال به اجرا در می‌آیند. لازم به ذکر است که تعیین صلاحیت‌های نیروی انسانی و استانداردهای فضا، تجهیزات و مواد آموزشی این دوره و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این دوره به عهده وزارت آموزش و پرورش است. هم چنین وزارت آموزش و پرورش موظف است زمینه تولید برنامه و محتوای آموزش‌های توجیهی برای مربیان، مسئولان و دست اندرکاران و نیز تولیدکنندگان رسانه‌های آموزشی مراکز پیش دبستانی را فراهم کند (دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۸۷: ۹).

در بعد رفتارهای فرهنگی ملی نقش آموزش و پرورش رسمی که به لحاظ پالایش ارزش‌های اجتماعی برای رفع نیازها با شناخت استعداد فراگیران و باروری آن با توجه به فرهنگ جامعه برنامه ریزی می‌کند بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که محور یادگیری دانش آموز است، بنابراین توجه به

ارزش‌های فرهنگی یادگیرنده از یک سو و هم جهت کردن آن با ارزش‌های فرهنگی ملی و آماده کردن آن برای سازگاری با جمع یا جامعه پذیری از سوی دیگر، اهمیتی خاص دارد. تحقق این مهم از طریق تدوین برنامه‌های درسی است. شناساندن ارزش‌های فرهنگی ملی و آگاهی از میراث فرهنگی مشترک از طریق برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان زمینه‌شناسایی ارزش‌های برتر را نیز برای او فراهم می‌آورد. از طریق شناخت فرهنگ‌ها و قرار دادن مفاهیم آموزشی در قالب ارزش‌ها و ایجاد حس قیاس در فراگیرنده و اعتلای جامعه و تقویت شهروندی، یک شهروند که در سازندگی جامعه مؤثر است، پدید می‌آید (عسکریان، ۱۳۴: ۱۳۸۵).

به نظر می‌رسد رویکرد موجود تربیت شهروندی در ایران تلفیقی از رویکردهای آموزشی مستقیم سیاسی، مدنی و انتقال فرهنگی است که به دنبال تربیت شهروندانی با سجایای اخلاقی، دینی و ارزش‌گراست تا به لحاظ اجتماعی و سیاسی افرادی مؤثر و مفید باشند. رویکرد غالب، رویکردی جامعه‌گرا، انسان‌گرا و اخلاق‌محور است که رشد فردی را در یک فضای دینی و مذهبی مدنظر قرار داده است. در رویکرد آموزشی مستقیم سیاسی - مدنی، نظام آموزشی آموزش‌های مستقیم سیاسی - مدنی را در سه بعد دانش مدنی، مهارت‌های شهروندی و ارزش‌های شهروندی و مشارکت مدنی در قالب دروس مرتبط همچون تاریخ، ادبیات، علوم اجتماعی به دانش‌آموزان را در دستور کار خود قرار می‌دهد. در دیدگاه انتقالی فرهنگی نیز وظیفه مدرسه انتقال یا القای ارزش‌ها، سنت‌ها و اخلاقیات پذیرفته شده به وسیله دانش‌آموزان است. در این دیدگاه تربیت افراد از طریق بکارگیری روش‌های کاملاً دارای ساختار و کنترل شده به منظور انتقال فرهنگی است که توسط صاحب نظران تهیه شده. معلم مرجع اصلی یادهی - یادگیری است و مسولیت او انتقال دانش، ارزش‌ها و نقش‌های مختلف به دانش‌آموز است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۵۲). از ویژگی‌های رویکرد غالب آموزش شهروندی (اجتماعی و سیاسی) در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دارای رویکرد ساختاری و متمرکز است و در همه پایه‌های تحصیلی مورد توجه است.
- رویکرد آموزشی بیشتر تجویزی است و بین دو رویکرد تجویزی و تفکر نقاد درگیر است.
- آموزش عمدتاً محتوا محور است و کتاب‌های درسی نقش کلیدی در این زمینه دارد.
- به دنبال تربیت شهروندی با سجایای اخلاقی - شیعی است.
- تأکید بیشتر بر مطالعه به جای کسب تجربه عملی است.

▪ روش تدریس عمدتاً توضیحی، سخنرانی و یا پرسش و پاسخ است (فرم‌هینی فراهانی: ۱۳۸۹: ۲۵۳).

اهداف آموزش شهروندی در ایران را می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:

✓ کمک به دانش آموزان در تعبیر و تفسیر ارزش‌ها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و... منتقل می‌شود.

✓ توسعه حس قدرشناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و تقویت هویت ملی؛

✓ افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی؛

✓ تقویت مبنای خانواده؛

✓ تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی؛

✓ پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی (فتحی، ۱۳۹۱: ۸۷).

▪ براساس اهداف بالا، برنامه درسی شهروندی باید مشتمل بر موارد زیر باشد: آگاهی از محیط زیست، ارزش‌های اخلاقی، دموکراسی، صلح و حل تضادها، ارزش‌های شهری، هویت ملی و وطن پرستی، ارزش‌های خانوادگی، آگاهی از مسائل جهانی، تنوع و چند فرهنگی، تساوی جنسیت، استقلال شخصی.

نظام آموزش و پرورش علاوه بر آموزش و تعلیم این حقوق، در واقع هم حقوق را یاد می‌دهد و هم وظایف شهروندی و سایر وظایف را در دانش آموزان نهادینه می‌سازد. این نظام علاوه بر آشنایی دانش آموزان با حقوق اجتماعی خود، آنان را به تدریج با وظایف اجتماعی خود به عنوان شهروند از طریق نهادینه کردن رفتار و نگرششان آشنا کرده و سهمی در جامعه پذیری افراد ایفا می‌کند. بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جهت گیری ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی دارای خصوصیات زیر می‌باشد:

✓ فطرت‌مداری (شروع از معرفت و میل ربوبی سرشته در وجود متریبان).

✓ تعالی مرتبتی (رعایت مراتب تشکیکی تدین و تخلق، با توجه به مراتب دین داری و اخلاق)؛

✓ جامع بودن بین روش موضوعی (در بعد بینش و دانش دینی) و روش تلفیقی (با سایر

ساحت‌های تربیت و در بعد نگرش و عمل دینی).

✓ فعال بودن (تاکید بر نقش اصلی متریبان)

✓ مساله محوری (توجه به موضوعات و مسائل زندگی روزمره).

✓ بهره مندی از میراث غنی ادب پارسی برای توسعه و تعالی ارزش‌های دینی و اخلاقی.

## نتیجه‌گیری

تربیت شهروندی به عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی - اجتماعی عصر ماست که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعبیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است. امروزه به علت مسائلی همچون تمرکززدایی از قدرت، گسترش فوق‌العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مسائل مشترک جهانی همچون آلودگی محیط زیست، صلح و امنیت جهانی باعث شده که تربیت شهروندی نه تنها در سطح ملی و محلی بلکه در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. صاحب‌نظرانی که چگونگی تحول مفهوم شهروندی را بررسی کرده‌اند در این نکته مشترکند که شهروندی هم حق افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسد و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که اداره با ثبات امور بر آن‌ها مبتنی است (شیانی، ۱۳۹۴: ۱۵). با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و به تبع آن تربیت شهروندی از اهمیت اساسی برخوردار است. اگر چه شهروندی تنها شامل حقوق نیست و با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال آن متوازن می‌شود اما این آگاهی از حقوق شهروندی است که شهروندان را نسبت به وظایف خود آگاه و متعهد می‌کند. بنابراین باید به آگاه ساختن همه مردم، بویژه نوجوانان و دانش‌آموزان بعنوان قشر وسیعی از جمعیت به حقوق شهروندی‌شان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. دانش‌آموزان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه در ارتباط زیاد با شعور جمعی و آگاهی عمومی قرار دارند. پس آگاهی آنان از حقوقشان در درجه اول راهی برای عمل به وظایف و تعهدشان است (شیانی، ۱۳۹۴: ۱۶). این یافته‌ها با نتایج پژوهش کاظمی زاده (۱۳۹۴)، چناری و کاظمی زاده (۱۳۹۴)، آلام و مک لافلین (۲۰۱۰)، سیرز و وون (۲۰۰۶)، احمد (۲۰۰۴) و هودسن (۲۰۰۳) تطبیق می‌نماید. کاظمی زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود ویژگی‌هایی مانند حریت، حکمت، تعاون، پایبندی به تعهدات، رحمت، نزاهت، صداقت، عدالت، سماحت و شجاعت به عنوان ویژگی‌های یک شهروند خوب یا ایده آل اجتماعی در آیات و روایات اسلامی نام برد. همچنین نتایج پژوهش چناری و کاظمی زاده (۱۳۹۴) نشان دادند که آزادی، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانونگرایی و قانون‌مداری و دموکراسی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است. نتایج پژوهش آلام و مک لافلین (۲۰۱۰) نشان داد هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسئولیت‌پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت‌مناظر برای رشد مهارت‌های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسئولیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان دهنده

مسئولیت جمعی است، باشد. نتایج پژوهش سبیز و وون (۲۰۰۶) نشان داد ویژگی‌های ذیل برای شهروند مطلوب لازم است: توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها، داشتن دانش درباره باورهای مستقل، مسئولیت پذیری و استقلال، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور و ایدئولوژی و فلسفه سیاسی.

از دیدگاه هودسن (۲۰۰۳) فلسفه اساسی تربیت شهروندی باید دستیابی به اهدافی چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در برابر قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی باشد. آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که ابعاد مختلفی همچون مسئولیت پذیری وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون گرایی، درک و فهم اجتماعی مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کاظمی زاده (۱۳۹۴)، چناری و کاظمی زاده (۱۳۹۴)، آلام و مک لافلین (۲۰۱۰) تطبیق و با نتایج پژوهش سبیز و وون (۲۰۰۶)، چیدو و مارتین (۲۰۰۵) و هودسن (۲۰۰۳) مرتبط می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش کاظمی زاده (۱۳۹۴) حاکی از آن است که آزادی، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانون مداری و مردم‌سالاری از مؤلفه‌های تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی است. چناری و کاظمی زاده (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود نشان دادند که آزادی، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانون‌گرایی و قانون مداری و دموکراسی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است. نتایج پژوهش آلام و مک لافلین (۲۰۱۰) نشان می‌دهد هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسئولیت پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت معنادار برای رشد مهارت‌های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسئولیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان دهنده مسئولیت جمعی است، باشد. همچنین نتایج پژوهش هودسن (۲۰۰۳) نشان می‌دهد فلسفه اساسی تربیت شهروندی باید دستیابی به اهدافی چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در برابر قانون



و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی باشد.

نقش آموزش و پرورش در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی انسان و در تربیت اجتماعی و به تبع آن آموزش شهروندی بر هیچ کس پوشیده نیست و بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به سمت فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند. برنامه‌های آموزش شهروندی از طریق آموزش و پرورش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به رشد انگیزه‌های خود در عمل بپردازند و سبک یک زندگی سالم را در مدرسه تجربه و درونی سازند. نظام آموزش و پرورش علاوه بر آموزش و تعلیم حقوق شهروندی، وظیفه شهروندی را نیز در درون دانش‌آموزان نهادینه می‌سازد و از طریق نهادینه کردن این حقوق سهمی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌کند. علاوه بر این نقش‌های مهمی را می‌توان در الگوپذیری اجتماعی، کمک به آنها در جهت تربیت شهروندان الکترونیکی، آشنایی با فناوریها و امکانات رسانه‌ای ایفا می‌کند و با ارائه اخلاق مشارکتی، یک پل ارتباطی میان حقوق و مسولیتها برقرار می‌سازد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) و آلام و مک لافلین (۲۰۱۰) مطابقت دارد. آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهش خود جای دادن ارزش‌های شهروندی در مقوله‌های فردی، ملی - فرهنگی، هنجارها و هویت مذهبی، هویت جهانی و مشارکت در برنامه درسی دبستان با توجه به سن و پایه را لازم و ضروری دانسته‌اند. نتایج پژوهش آلام و مک لافلین (۲۰۱۰) نشان می‌دهد هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسؤلیت‌پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت معنادار برای رشد مهارت‌های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسؤلیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان دهنده مسؤلیت جمعی است، باشد.

امروزه با توجه به پیچیدگی‌های عصر جهانی شدن، اگر آموزش و پرورش ایران بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم آماده کند چرا که جهانی شدن نه فقط برای اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام آموزشی و هویت مردمان نیز اثر دارد. فرآیند جهانی شدن خصوصیات ویژه‌ای را برای شهروندان قرن ۲۱ می‌طلبد که می‌توان آنها را در سه قالب کلی بدین صورت برشمرد:

-دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن؛

-دانش مهارت و نگرش دمکراتیک؛

-توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات؛

این سه مفهوم به شدت در هم تنیده شده، اثرات متقابل و چند جانبه‌ای دارند.

همچنین نتایج مرتبط با ارزش‌شناسی تربیت شهروندی حاصل از این تحقیق بصورت زیر قابل بیان است:

- غایت تربیت از نظر اکثر مکاتب و دیدگاه‌های تربیتی رسیدن به نیکبختی است و در اسلام نیز قرب الهی مدنظر است. در تربیت شهروندی نیز مانند سایر انواع تربیت (تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت حرفه‌ای و...) از نظر اسلام، غرض رشد و تعالی انسانها به سوی کمال واقعی آنها یعنی قرب الی‌الله می‌باشد و هدف در تمام انواع تربیت، یکی است. در دیدگاه اسلامی، جامعه و روابط انسانی آن، رنگ الهی و عبادی به خود می‌گیرد و همه جنبه‌های گوناگون رفتار آدمی در جهت نیل به هدف غایی که کمال مطلوب اوست، معنا و مفهوم می‌یابد. اسلام دین اجتماعی است. این بدان معناست که راه خدایی شدن و بندگی از مسیر اجتماع می‌گذرد و نمی‌توان جدا از مردم و اجتماع به بسیاری از کمالات انسانی دست یافت و یا پس از دست یافتن به کناری نشست و مسئولیت اجتماعی خود را در قبال دیگران به عهده نگرفت.

- جامعه انسانی را نمی‌توان به مانند موجود واحد زنده‌ای فرض کرد که از طریق نیروی هدایت کننده دولت، در جهت خیر و صلاح هدایت می‌شود. در جامعه، ارزشها و نقشها و خلاقیت‌های اجتماعی در وجود افراد به ظهور می‌رسد و رشد آن به نوبه خود از هدفهای اصیل و قابل توجه زندگی انسانها است.

-با بهره‌گیری از تربیت شهروندی است که افراد مشارکت در کارهای اجتماعی و پایبندی به حقوق شهروندی را می‌آموزند؛ هدف تربیت مدنی آماده کردن شهروندان برای زندگی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است. می‌توان تربیت مدنی را از دیدگاه امام علی علیه‌السلام به این صورت تعریف کرد: تربیت مدنی جزئی از تربیت دینی است که هدف آن تربیت شهروندانی آگاه، متعهد به ارزش‌های اسلامی و پرورش مسئولیت و مشارکت در آنها و همچنین ایجاد مهارت‌های مدنی و اجتماعی در آنان برای دستیابی به رشد، تعالی الهی، تقویت کارکردهای مطلوب، هدایت حکومت و جلوگیری از انحراف احتمالی آنها است.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد میزان توجه به تربیت شهروندی در برنامه‌ریزی درسی ایران در سطح چندان مطلوبی قرار ندارد و تأکید بر افزایش آگاهی و شناخت شهروندان است تا افزایش توانایی و مهارت‌ها و ارتقا نگرش دانش آموزان. محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی و سایر کتب مرتبط در این زمینه کمتر موجب تحریک فکری دانش آموزان می‌شود و عمدتاً سطوح شناختی را مد نظر قرار می‌دهد.

- کمبود کتاب‌های راهنمای تدریس در زمینه علوم اجتماعی، آموزش تاریخ و یا تدریس مفاهیم اجتماعی کاملاً مشهود است. روش تدریس در دوره‌های مختلف تحصیلی با توجه به رویکرد غالب عمدتاً سخنرانی، توضیحی و یا پرسش و پاسخ است و کمتر از روشهای فعال و مشارکتی که لازمه چنین آموزشی است، استفاده می‌کنند.
  - کمبود متخصصان و کارشناسان خبره و برنامه‌ریزان درسی در زمینه‌های شهروندی و مدنی؛
  - با توجه به هویت زن اسلامی و تقویت بینش سیاسی و اجتماعی دختران، این امر مهم کمتر در اصول و اهداف تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است.
  - وجود محیط کنترل شده و بسته در بسیاری از مدارس و همچنین محافظه کار بودن و نگرانی برخی از معلمان امکان تاثیر گذاری این آموزش را زیر سوال می‌برد.
- بر اساس پژوهش مذکور، شهروند مطلوب ایرانی باید در سه حیطة دارای صلاحیت‌های معین باشد که عبارتند از:

- (۱) شناخت مدنی: مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مؤلفه‌های آن شامل؛ آگاهی از نحوه به دست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه‌های احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین‌المللی است.
- (۲) نگرش مدنی: مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌هایی که برای شهروند خوب ضروری است و مؤلفه‌های آن شامل؛ پذیرش تنوع و تکرار در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی است.

۳) توانایی مدنی: مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها که هر فرد برای زیست در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به آن‌ها نیاز دارد و مؤلفه‌های آن نیز شامل؛ توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیمات منطقی و توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب است.

پیشنهادات پژوهش حاضر برای تربیت شهروندی در نظام آموزشی ایران به شرح زیر است:

- مشارکت دانش آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه چون علاوه بر برنامه درسی و تدریس در سطح مدرسه محیط‌های نظیر خانواده، همسالان، مساجد، رسانه‌های گروهی بر یادگیری مدنی دانش آموزان موثر است.
- رویکرد موثر در آموزش شهروندی باید حقوق و مسئولیت‌ها را متقابلاً مورد تأکید قرار دهد و علاوه بر شهروند عمومی به شهروند خصوصی نیز توجه نماییم. بدین منظور لازم است با اتکاء به اخلاق مشارکت، پل ارتباطی میان حقوق و مسئولیت‌ها برقرار کنیم.
- ضرورت برنامه جامع آموزش شهروندی بین خانه، مدرسه و جامعه لذا نمی‌توان آن را منزله یک ماموریت تنها به مدرسه واگذار کرد.
- از آموزش شهروندی باید به عنوان یک ابزار در جهت وحدت و انسجام اجتماعی استفاده کرد. آموزش پرورش رسمی لازم است زمینه ایجاد وحدت ملی و وفاق و انسجام اجتماعی را فراهم کند. و در حد توان به استقرار نظم اجتماعی و انتقال فرهنگ دینی، ملی و بومی از نسلی به نسل بعد کمک کند.
- تدوین کتاب‌های کمک آموزشی برای کودکان به زیباترین ساده در زمینه آموزش شهروندی و تدوین کتاب‌های آموزش برای معلمان.
- تأکید بر روش‌های تدریس فعال که برای آموزش سیاسی، اجتماعی از قابلیت شهری برخوردار است به عنوان روش تدریس غالب از این روش‌های فعال می‌توان، به روش حل مسئله، تفکر انتقادی، پژوهش گروهی و ایفای نقش اشاره کرد.
- فراهم کردن زمینه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی که در زمینه تربیت اجتماعی، سیاسی و مدنی فعالند (همچون نیروی انتظامی، شهرداری، NGOهای فعال در زمینه آموزش شهروندی).

## کتابنامه

## قرآن کریم

- افروغ، عماد. (۱۳۸۷). حقوق شهر وندی و عدالت، تهران: سوره مهر.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۶). سبیری در نماز، تهران: انجمن خدمات اسلامی.
- آشتیانی، ملیحه؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۸۵). «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۷(۱): ۶۷-۹۲.
- آشتیانی، ملیحه. (۱۳۹۳). بررسی روش‌های مناسب لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی با توجه به موازین دینی در برنامه درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش.
- آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۷(۵): ۱۱-۴۴.
- برخورداری، مهین و جمشیدیان، اکبر. (۱۳۸۷). تربیت شهروندی (با تاکید بر مولفه‌ها)، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بوازار، مارسل. (۱۳۵۸). اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پیرهادی، علی اکبر. (۱۳۷۵). حقوق شهر وندی، تهران: انتشارات سروش ملل.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۸). غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمالی تازه کند، محمد؛ طالب زاده نوبریان؛ محسن؛ ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۰(۱۰): ۱-۱۹.
- چناری، مهین. (۱۳۸۷). روش سقراطی به منزله راهبردی برای تربیت شهروندی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷(۲۷): ۱۳۷-۱۵۴.
- چناری، مهین و کاظمی زاده، زهرا. (۱۳۹۴). مقایسه مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام و برنارد کریک، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، دانشگاه تربیت حیدریه.
- حاجی پور، رضا. (۱۳۸۹). آموزش شهروندی (آنچه شهروندان باید بدانند). انتشارات فرهنگ سبز.
- حر عاملی، محمد (ع). وسائل الشیعه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.

- حیدری، محمدحسین؛ نصرتی هشی، کمال؛ نریمانی، محمد. (۱۳۹۲). اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام؛ نشریه مهندسی فرهنگی، ۸ (۷۶): ۵۰-۲۴.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۹). نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چ ۱۲، قم: انتشارات اشکدر.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۲). فقه الرضا (علیه السلام) فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام).
- سیدی نیا، سید علی اکبر. (۱۳۷۸). کرامت انسانی و اقتصاد، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۱۱۱: ۲۹ تا ۱۴۱.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۶). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر سمت.
- شرفی، محمد رضا و طاهر پور، محمد شریف. (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۲ (۱۶ و ۱۷).
- شریعتمداری، علی. (۱۳۹۳). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران انتشارات امیر کبیر
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، صالح، صبحی، ص ۵۵۹، قم، هجرت.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۹۴). وضعیت شهر وندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا، چاپ اول، تحقیق شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی التفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباس زاده، محمد. (۱۳۹۰). ارزیابی محتوای کتب تعلیمات اجتماعی دوره ی راهنمایی بر اساس پرورش انواع مسئولیت پذیری و فرهنگ عمومی از دیدگاه معلمان شهرستان خوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فتحی و اجار گاه، کورش و دیباو اجاری، طلعت. (۱۳۹۱). تربیت شهروندی، نشر کویر.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۹). تربیت شهروندی، تهران، انتشارات آبیژ.
- کاظمی زاده، زهرا. (۱۳۹۴). اصول شهروندی و تربیت شهروند در آیات و روایات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کیشانی فراهانی، عزت اله؛ فر مهبینی فراهانی، محسن؛ رهنما، اکبر. (۱۳۹۲). مولفه های اساسی شهروندی ایرانی-اسلامی، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵۶، ۷۴-۵۱.

- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۹). اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: مؤسسه الوفاء.
- گلیار، حسین. (۱۳۸۱). تاثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه مدنی و نظام مردم سالاری دینی، تهران، انتشارات پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان»، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال ۵.
- متقی الهندی، علاء الدین بن حسام الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی احادیث الأقوال و الفعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجتهد زاده، اصغر. (۱۳۷۷). بررسی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی. پایان نامه کارشناسی ارشد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۱). پیامهای عاشورا، چ ۴، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- منافی شرف آباد، کاظم؛ الهام. ژمانی و علی مهدوی خواه. (۱۳۹۲). تربیت شهروندی. تهران: سپهر رایان گستر.
- میرمدرس، موسی. (۱۳۸۰). جستاری در جامعهٔ مدنی و جامعهٔ دینی، قم: بوستان کتاب.
- نریمانی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مولفه‌های تربیت شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی با نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۰۱، قم، مکتبه الفقیه.
- هویدا، نادری. رضا، ناهید. (۱۳۸۸). بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان. پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۹ (۱۱ پاییزی ۳۳): ۱۱۸-۱۰۳.

Ahmad, Iftikhar (2004). Islam, Democracy and Citizenship Education: An Examination of the Social Studies Curriculum in Pakistan. Current Issues in Comparative Education. Vol.7, No.1

Butts.R.F.(1982). The Revival or Civic Education. Phi Delta Kappa.education Foundation- Bloomington, Indiana.

Fathi, k.(2001). regired chractics for good citizenship Australian curriculum studies: Association Canberra Australia.

Hudson,W(2001)Religious Citizenship.Internet <http://www.gfu.ac.edu.au>

Lee, W, O. (1999).Qualitics of Citizenship for the New Century: Perceptions of Asian Educational Leaders. Paper Presented at the Fifth UNESCO-ACEID International Conference on Refoming Learning, Curriculum and Pedagogy.Bangkok, Thailand 13- 16DC.

Osler, Andrey. (1997).Training and Youth to the development of citizenship with European dimension. The university of Birmingham. Retrieve from <http://leeds.academia.edu/AudreyOsler>.

Portner,G.(1981) Citizenship Education. Englewood Cliffs, NJ:Prentic Hall.

Torney, Purta. J (1991), Civic Education, In: International Encyclopedia of Curriculum, pergamon press.